

## The Study of Disability in Children and Adolescents' Stories of Holy Defense Based on Goffman's Theory of Stigma

Simin Fathollahi<sup>1</sup>, Asieh Zabihnia Emran<sup>2</sup>, Ali Mohamad Postdar<sup>3</sup>


Type of article: original research

Received: 23 October 2023, Accepted: 15 July 2024

### Abstract

The countless consequences of the devastating wars of the contemporary century have underscored disability as a factor of limitation and disruption in the performance of individual and social duties of human beings. This situation, alongside other disabilities and physical deformities, has provided a suitable platform for creating literary works. This research seeks to address the issue of Holy Defense disability in the stories of Iranian children and adolescents in a descriptive-analytical manner in order to introduce the various social and psychological harms caused by disability among defenseless victims of war and help them find the right path in life and guide in the shadow of community and family support. Today, due to the efforts of human societies to eradicate the destructive effects of war in society, we are witnessing more neglect of the problems of the real victims of war. The findings of the present study show that the Holy Defense fiction literature will be a suitable platform for expressing various injuries caused by physical disabilities and mental disorders in children and adolescents. Over time, when her ideal is not fulfilled, she instills despair, anxiety, and depression, and the author mainly portrays her being in a cal de sac in the novel. Over time, when her ideal is not fulfilled, she instills despair, anxiety, and depression, and the author portrays being in a cal de sac in the novel.

**Keywords:** Disability, Children and adolescents, Fiction, Holy Defense, Goffman's Theory of Stigma

- 
1. Phd Student in Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: sfath@student.pnu.ac.ir
  2. Professor of Persian language and literature payame noor University Tehran Iran. Email: Zabihnia@pnu.ac.ir  000000021886382x
  3. Professor, Faculty Member, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: Am.poshtdar@gmail.com

## بررسی معلولیت در داستان‌های کودک و نوجوان دفاع مقدس بر پایه نظریه داغ ننگ گافمن (مطالعه موردی: دود پشت تپه بایرامی)

سیمین فتح‌الهی<sup>۱</sup>، آسیبه ذبیح‌نیا عمران<sup>۲</sup>، علی محمد پشت‌دار<sup>۳</sup>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱، پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

### چکیده

از پیامدهای بی‌شمار جنگ‌های ویرانگر قرن معاصر، معلولیت به عنوان عامل محدودیت و اختلال در انجام تکالیف فردی و اجتماعی انسان‌ها در کنار سایر ناتوانی‌ها و بدشکلی‌های جسمانی، بستر مناسبی را برای خلق آثار ادبی فراهم آورده است. این پژوهش درصدد آن است تا با شیوه توصیفی-تحلیلی به موضوع معلولیت‌های ناشی از جنگ در داستان‌های کودک و نوجوان دفاع مقدس با تکیه بر داستان دود پشت تپه اثر محمدرضا بایرامی (تولد ۱۳۴۴ ه.ش) بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن (۱۹۲۲-۱۹۸۲ م.)، بپردازد تا ضمن معرفی انواع آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از معلولیت در میان قهرمانان و قربانیان این جنگ ناخواسته، آنها را در یافتن مسیرهای درست زندگی در سایه حمایت جامعه و خانواده راهنمایی کند. پرسش اصلی پژوهش این است که کدام‌یک از انواع داغ ننگ‌زنی گافمن در داستان دود پشت تپه نمود بیشتری دارد؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد داغ ننگ و برچسب‌زنی‌ها در آسیب‌های ناشی از معلولیت‌های جسمانی و اختلالات روانی جنگ با تکیه بر داستان دود پشت تپه بایرامی، با انزجار، طردشدگی و دگراندیشی اجتماعی، اغلب بن‌مایه روانی و فرهنگی دارد که با گذشت زمان جای خود را به تقدس می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** بایرامی، دود پشت تپه، دفاع مقدس، معلولیت، گافمن، داغ ننگ

۱. دانشجوی دکتری بین‌الملل زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، واحد امارات (نویسنده مسئول).

Email: sfath@student.pnu.ac.ir

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: zabihnia@pnu.ac.ir

 000000021886382x

۳. استاد، عضو هیئت علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: Am.poshtdar@gmail.com

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

می‌بینند، به‌طور چشمگیری رو به افزایش است. از این رو؛ نحوه «تعامل»، «آموزش»، «اشتغال» و سلامت جسمی و روحی آنها از دغدغه‌های مهم علوم روانشناسی و «علوم اجتماعی» است. در ایران که شاهد یکی از طولانی‌ترین و سخت‌ترین جنگ‌های قرن اخیر بوده‌ایم، پیامدهای اجتماعی ناشی از مشکلات جسمی و روحی در تمام شئون زندگی معلولین جنگی به چشم می‌خورد. از میان انواع ادبی، ادبیات داستانی با مضمون جنگ، یکی از عرصه‌های حضور معلولان و بازتاب زندگی و مشکلات آنها به شمار می‌آید. طی سال‌های اخیر، در ادبیات دفاع مقدس به نحوه زندگی، مشکلات و مسائل کودکان و نوجوانانی که به نوعی با معلولیت ناشی از جنگ درگیر هستند، پرداخت شده است؛ اما، علیرغم همه زشتی‌ها و تلخی‌های جنگ، ارائه تصویری واقعی و روشن از زندگی جوان‌ترین داوطلبین دفاع مقدس، در رفع بحران‌های فردی و اجتماعی ناشی از معلولیت‌های جسمانی و آسیب‌های روانی آنها امیدبخش و تأثیرگذار خواهد بود.

## ۲. سؤال تحقیق

این پژوهش درصدد پاسخ به سؤال زیر است:  
- بازتاب معلولیت ناشی از جنگ در داستان دود پشت تپه بایرامی بر پایه نظریه داغ‌ننگ گافمن، چگونه است؟

## ۳. پیشینه تحقیق

با آنکه تحقیق در زمینه شناخت آسیب‌ها، روحیات، نیازها و مشکلات افراد معلول به خصوص کودکان و نوجوانان، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. اما؛ تاکنون در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان در خصوص افراد معلول دفاع مقدس، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

در این راستا، دو مقاله ترجمه‌شده با موضوع نگاه به معلولیت در ادبیات یافت شد. یکی مقاله‌ای از کاترین سارازین (۱۳۸۴) با عنوان «سیمای کودک معلول در ادبیات کودک»، و دیگری؛ مقاله‌ای با عنوان «تفاوت، دیگری و اقلیت در ادبیات داستانی کودک و نوجوان» از حسین شیخ رضایی و دیگران (۱۳۹۱) که در قسمتی از آن به بررسی داستان‌های کودک و نوجوان با محوریت کودکان

«معلولیت» به عنوان یکی از مشکلات جوامع انسانی، همیشه از دغدغه‌های «جامعه‌شناسان»، «روانشناسان» و دست‌اندرکاران علوم تربیتی بوده است. به‌طورکلی، طیف گسترده معلولیت‌ها در دو حوزه «معلولیت‌های ذهنی» و «ناتوانی‌های یادگیری ویژه» و «معلولیت‌های جسمی-حرکتی»، «ناشنوایی» و «نابینایی» بررسی می‌شود. در این پژوهش آثاری مورد توجه قرار گرفته است که با مضامین جنگ و «دفاع مقدس» برای معلولین کودک و نوجوان نوشته شده است و «معلولین عقب‌مانده ذهنی» مخاطب این داستان‌ها نیستند.

از دیدگاه بهداشت و «توان‌بخشی» هرگونه فقدان یا «ناهنجاری» در زمینه جسمانی-روانی-عملکردی یا «آناطومی انسان»، «نقص عضو» نامیده می‌شود و معلولیت؛ محرومیت و وضعیت نامناسب یک فرد است که پیامد نقص و ناتوانی است و مانع از انجام نقشی می‌شود که فرد در جامعه دارد. امروزه با توجه به تلاش جوامع بشری برای محو و نابودی آثار مخرب جنگ در جامعه، شاهد بی‌توجهی بیشتر دولت‌ها نسبت به مشکلات اقشار مختلف «معلولان جنگی» هستیم. این پژوهش قصد دارد بر اساس «نظریه داغ‌ننگ»<sup>۱</sup> ارائه شده توسط «اروینگ گافمن»<sup>۲</sup>، معلولیت‌های جسمانی و روانی ناشی از جنگ را در داستان دود پشت تپه بایرامی بررسی نماید و آسیب‌های جسمی و روحی مطرح‌شده در داستان و شیوه‌های گوناگون برخورد با قهرمانان معلول آن را آشکار سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر از نوع کیفی است و از منظر روش‌شناسی، رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد. روش داده‌یابی آن اسنادی کتابخانه‌ای، و روش داده‌کاوی‌اش تحلیل محتوا است. انجام چنین پژوهش‌هایی، انگیزه خلق آثار برجسته ادبی بر پایه نظریات نوین جامعه‌شناسی را قوت می‌بخشد و در حوزه «ادبیات داستانی» به ارائه تصویر واقعی انسان‌هایی که به دلیل معلولیت‌های جسمانی ناشی از جنگ، از بحران هویت، رنج می‌برند، کمک می‌نماید.

معلولیت یکی از فراگیرترین موضوعات اجتماعی جوامع بشری است. در جهان، تعداد کودکان و نوجوانان معلولی که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در جنگ آسیب

معلول پرداخته شده است.

۱۳۸۶: ۱۶).

ب. **معلولیت و انواع آن:** معلولیت به ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از فعالیت‌های عادی زندگی فردی یا اجتماعی به علت وجود نقصی مادرزادی یا اکتسابی در قوای جسمانی یا روانی اطلاق می‌شود. انواع معلولیت عبارت‌اند از: ۱. معلولیت‌های جسمی که شامل: الف) معلولیت‌های حواسی: مانند نابینایی و ناشنوایی. ب) معلولیت‌های حرکتی: انواع نقص عضوها، «ضایعات نخاعی» و ناهنجاری‌های مربوط به اسکلت و عضلات. ج) معلولیت احشای داخلی: شامل «ناهنجاری‌های قلبی-عروقی»، تنفسی، کلیوی و غیره. ۲. معلولیت ذهنی عبارت‌اند از: الف) عقب‌ماندگی ذهنی و ب) بیماری روانی.

پ. **جامعه‌شناسی و روان‌شناسی:** در علم جامعه‌شناسی به بررسی زندگی گروهی انسان‌ها و رفتارهای اجتماعی ناشی از آن پرداخته می‌شود درحالی‌که در علم روان‌شناسی، بررسی رفتار فرد مورد توجه قرار می‌گیرد (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۵).

ت. **هویت اجتماعی و هویت شخصی:** هویت اجتماعی انسان در جریان کنش‌های اجتماعی به وجود می‌آید و پذیرفته و یا رد می‌شود (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۴۴). هویت اجتماعی و هویت شخصی در درجه اول، بخشی از تعاریف و دغدغه‌های اشخاص دیگر درباره فردی هستند که هویتش مورد بررسی است. در مورد هویت شخصی، این تعاریف و دغدغه‌ها می‌توانند قبل از تولد وی به وجود آیند و بعد از مرگش هم ادامه پیدا کنند. از طرف دیگر، هویت خویشتن در درجه اول امری ذهنی و تأملی است که حتماً باید از جانب همان فردی که هویتش مورد بررسی است، احساس شود.

ث. **هویت اجتماعی بالقوه و هویت اجتماعی بالفعل:** گافمن علاقه‌مند بود که شکاف میان آنچه یک شخص باید باشد، یعنی همان «هویت اجتماعی بالقوه» و آنچه یک شخص واقعاً هست، «هویت اجتماعی بالفعل» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۹۸) را مورد بررسی قرار دهد. هر کس که شکافی میان این دو هویتش باشد، داغ خورده است.

ج. **منشور جهانی حقوق کودکان معلول:** پیمان‌نامه حقوق کودک با امضای بیش از ۱۸۰ کشور جهان،

در زمینه روان‌شناسی و آموزش کودکان معلول، آثاری منتشر شده است که بیشتر به آموزش کودکان عقب‌مانده ذهنی می‌پردازد تا معلولیت‌های جسمی- حرکتی. از جمله این آثار، می‌توان به «روان‌شناسی کودکان استثنایی» اثر پرویز شریفی (۱۳۸۱) و «آموزش و درمان معلولین» اثر ماروین روزن (۱۳۷۰) اشاره نمود. در شرایطی که بخشی از افراد جامعه را کودکان و نوجوانان معلول تشکیل می‌دهند و آسیب‌شناسی این قشر خاص اهمیت زیادی در سلامت روانی و اجتماعی خانواده‌ها و جوامع دارد؛ ادبیات، بستری مناسب برای بازتاب مشکلات معلولان و آموزش صحیح برای رفتار با آنهاست. لذا، لازم است که با بررسی این‌گونه آثار به آسیب‌شناسی رفتاری این قشر پرداخت و راهکارهای مقابله با مشکلات از طریق داستان زندگی دیگر معلولان به آن‌ها آموزش داده شود. مقاله حاضر می‌کوشد تا تحلیل جامعه‌شناختی از داستان دود پشت تپه بایرامی ارائه دهد. تاکنون این داستان از دیدگاه نظریه داغ ننگ گافمن بررسی نشده است و این امر ضرورت تحقیق را ایجاب می‌کند.

#### ۴. روش پژوهش

در این پژوهش، به روش توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر مطالعات میان‌رشته‌ای از کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های موجود در خصوص دود پشت تپه و داغ ننگ گافمن و دیگر منابع مکتوب موجود در این زمینه استفاده شده، محدوده و جامعه مورد مطالعه، رمان دود پشت تپه و کتاب داغ ننگ اروینگ گافمن با ترجمه مسعودکیانپور است.

#### ۵. مفاهیم نظری و اصطلاحات کلی پژوهش

##### ۵.۱. نظریه داغ ننگ

الف. **داغ ننگ:** اصطلاح «داغ ننگ» که ریشه یونانی دارد اولین بار در اشاره به علائم بدنی‌ای به کار برده شده که برای اشاره به نکته‌ای غیرعادی و ناپسند در خصوص وضعیت اخلاقی فرد مطرح می‌شده است. امروزه، اصطلاح داغ ننگ به‌طور وسیعی تقریباً در همان معنای لفظی اولیه به کار می‌رود، ولی بیشتر به «خودرسوایی»<sup>۳</sup> و ننگ اشاره دارد تا به علائم بدنی ناشی از اختلال جسمی (گافمن،

از دو منظر نگرینسته می‌شود: «عادلان» و «ناعادلان». طبعاً ادب شکل‌گرفته در حوزه جنگ دو وجه دارد، یا ادب مقاومت، پایداری و حماسه است یا ادب جنگ. از منظر ادب مقاومت؛ پایداری، جنگیدن، کشتن، ویران کردن و کشته شدن موضوعاتی حاوی ارزش تلقی می‌شود اما؛ از منظر ادب جنگ، همین موضوعات، ضد ارزش، منفی و نفرت‌آور و سبانه است» (صنعت، ۱۳۸۹: ۲۳).

از آغاز جنگ، اشتیاق روزافزون جامعه به مطالعه داستان، به عنوان عرصه‌ای برای بازتاب حقایق زندگی درباره وقایع تلخ جنگ و جلوه‌های غرورآمیز دفاع مقدس، انگیزه واقعی خلق آثار برگرفته از ادبیات پایداری بوده است. «در حال حاضر دنیا در چنان حجم وسیعی و با چنان اشتیهای شدیدی به مصرف فیلم، رمان، تئاتر و تلویزیون مشغول است که هنرهای داستان‌گو به نخستین منبع الهام بشر که در جست‌وجوی نظم و شناخت زندگی است، بدل شده‌اند. عطش ما برای داستان، انعکاسی است از نیاز عمیق بشر به یافتن الگوهای زندگی؛ نه صرفاً به عنوان یک تجربه فکری و ذهنی، بلکه در قالب تجربه‌ای کاملاً شخصی و عاطفی» (مک کی، ۱۳۹۸: ۹).

از سوی دیگر، پیوند ناگسستنی ادبیات داستانی با دیدگاه‌های جامعه‌شناسی می‌تواند ضمن ارائه راهکارهای عملی مناسب برای رفع مشکلات جسمی و روحی ناشی از معلولیت، نیاز درونی انسان برای مطالعه داستان‌های واقعی قهرمانان و قربانیان جنگ را برآورده سازد. «میزان علاقه‌مندی انسان‌ها نسبت به مطالعه انواع ادبیات داستانی در توصیف پاینده از «رمان» مشهود است. «از نظر او پرکشش بودن رمان و میل مهارنشده‌ای که برای خواننده‌شدن ایجاد می‌کند، از جمله به این علت است که دنیای خیالی نویسنده جالب به نظر می‌رسد و خواننده می‌خواهد آن را بهتر بشناسد، با ساکنانش آشنا شود و ببیند آنها چه حوادثی را از سر می‌گذرانند و عاقبتشان چه می‌شود» (مک کی، ۱۳۹۸: ۱۸).

آسیب‌پذیرترین قشری که با رویدادهای جنگ، ناخواسته درگیر می‌شود، کودکان و نوجوانانند. عده‌ای بر این باورند که نباید از موضوع مخرب جنگ برای کودکان و نوجوانان سخن گفت. اما؛ مقوله انکارناپذیر معلولیت

مصوب «مجمع عمومی سازمان ملل متحد» در بیستم نوامبر ۱۹۸۹ میلادی است. این پیمان‌نامه ۵۴ ماده دارد که تعدادی از آنها مربوط به حقوق کودکان معلول می‌باشد. در ماده ۲۳ این قانون آمده است: «کشورهای طرف کنوانسیون اذعان دارند، کودکی که ذهنیاً یا جسمیاً دچار نقص می‌باشد؛ باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش انکاء به نفس باشد و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل نماید، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار گردد. همچنین، این کشورها حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت‌های ویژه به رسمیت می‌شناسند و ارائه این مراقبت‌ها را بر حسب شرایط والدین و یا مسئولین کودک و منوط به وجود منابع، به این‌گونه کودکان و کسانی که مسئول مراقبت از وی هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد.

«کشورهای طرف کنوانسیون در سایه همکاری‌های بین‌المللی، مبادله اطلاعات لازم را در زمینه مراقبت‌های بهداشتی جهت پیشگیری و معالجات پزشکی، روانشناسی و توان‌بخشی کودکان معلول از جمله انتشار و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به روش‌های توان‌بخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای افزایش خواهند داد» (عبادی، ۱۳۸۷: ۴۲).

## ۵. ۲. معلولیت و جنگ

«جنگی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران تحمیل شد در مرزی به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و با درگیری ۵ استان و نابودی ۵ شهر؛ هویزه، قصرشیرین، موسیان، سومان و خسروی به وقوع پیوست. نتیجه این تهاجم وسیع؛ تخریب ۳۰ درصد روستاهای عرب‌نشین، ظهور ۵۱ شهر جنگ‌زده، بمباران ۳۸۹۱ روستا، بی‌خانمانی پنج میلیون و آوارگی و مهاجرت ۲/۵ میلیون نفر به مناطق غیرجنگی بود» (صنعت، ۱۳۸۹: ۲۲).

با ظهور جنگ و لزوم دفاع از تمامیت ارزی کشور، نخستین تحولات ادبی در مضمون و سبک ادبی آثار نویسندگان دهه ۶۰ ظاهر شد و مضامینی چون «شهادت»، «ایثار»، «اسارت»، «آوارگی» و «مقاومت» از دل «ادبیات پایداری» سر برآورد. صنعت می‌نویسد: «جنگ معمولاً

حدودی مخفی، آن‌گونه که بخش زیادی از اضطراب و تشویش ما از آنها نشئت گرفته، ریشه نمی‌گیرد؛ بلکه علت آن در چیزی نهفته است که او می‌داند قادر به اصلاحش نیست» (گافمن، ۱۳۸۶: ۲۹).

### ۵.۳. نظریهٔ داغ ننگ (چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده) گافمن

اروینگ گافمن به عنوان استادی برجسته در رشته‌های جامعه‌شناسی و «انسان‌شناسی» و پایه‌گذار قوی‌ترین گروه جامعه‌شناسی آمریکا در دهه ۱۹۶۰، از طریق بررسی‌های مفصل توصیفی و تجربی به مطالعه «موقعیت اجتماعی» افراد پرداخته است. وی، همواره برای بیان نظریات خود از رمان‌ها، «شرح‌احوال‌ها»، «خاطره‌ها» و «مقاله‌های» روزنامه‌ها بهره برده است. از این‌رو؛ می‌توان از آثارش در بررسی پیامدهای اجتماعی معلولیت و انعکاس آن در ادبیات داستانی دفاع مقدس استفاده نمود. از نظر گافمن، اصطلاح «داغ ننگ» برای اشاره به ویژگی یا صفتی به کار برده می‌شود که بسیار بدنام‌کننده یا ننگ‌آور است و یا به عبارتی هر آن چیزی است که «ما را بی‌اعتبار می‌سازد».

وی در کتاب خود از سه نوع داغ ننگ یاد می‌کند: **نوع اول**، زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن هستند. مانند: انواع بدشکلی‌های جسمانی.

**نوع دوم**، نواقص و کمبودهای مربوط به شخصیت فرد را شامل می‌شود، مثل متقلب، ضعیف‌النفس و سلاطه‌پذیر بودن یا داشتن احساسات غیرطبیعی، عقاید انعطاف‌پذیر و غیرقابل اعتماد.

**نوع سوم**، داغ ننگ قومی و قبیله‌ای (یا خانوادگی) که منظور از آنها داغ ننگ‌های مربوط به نژاد، ملیت و مذهب است.

همچنین وی برخی از رفتارهای همراه با خشونت بیش‌ازحد را ناشی از داغ ننگ نمی‌داند بلکه آن را رفتاری طبق عادت فرض می‌کند» (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۸).

برای بررسی و تبیین موضوع معلولیت بر اساس دیدگاه جامعه‌شناختی گافمن به بررسی داستان دود پشت تپه بایرامی با محوریت توصیف زندگی نوجوانان معلول جنگ می‌پردازیم.

ناشی از جنگ، عاملی است که بپذیریم کودک و نوجوان، ناخواسته با موضوع جنگ درگیر است و چه‌بسا، یکی از همین کودکان و یا نوجوانان از آسیب‌دیدگان و معلولان جنگ باشد. بنابراین، سخن گفتن از این واقعیت سخت و تلخ می‌تواند افراد آسیب‌دیده را به واقع‌بینی و پذیرش مشکلات زندگی نزدیک‌تر کند. رهگذر معتقد است: «کودک و نوجوانی که حتی شب‌ها از هول حملهٔ توپخانه‌ای و موشکی یا بمباران هواپیماهای جنگی دشمن خواب راحت نداشت و در روز نیز هر لحظه می‌بایست گوش به زنگ آژیرهای حملهٔ هوایی و موشکی دشمن به خانه و مدرسه‌اش می‌بود، چگونه می‌توانست خالی بودن ادبیات ویژهٔ خود را از این واقعیت‌های جاری هرروزه بپذیرد» (سرشار، ۱۳۷۸: ۱۰). همچنین برخی معتقدند: «طبیعتاً از جنگ هم می‌توان برای کودکان و نوجوانان نوشت و هم باید نوشت. آنها هم باید با جنگ آشنا بشوند، کما این‌که ممکن است جنگ برای آنها اتفاق بیفتد و اصولاً جنگ برای بعضی از آنها رخ داده است. یا جنگ‌زده بودند و یا مورد هجوم هواپیماها قرار گرفته‌اند و یا در صورت نوجوان بودن، احتمالاً در جبهه حضور داشته‌اند. پس باید از جنگ برای کودکان و نوجوانان نوشت، اما باید به تفاوت‌های سنی آنها توجه داشته باشیم. اگر در داستان بتوانیم کودک را با مرگ و معلولیت آشنا کنیم، او در جهان واقعی بهتر می‌تواند با مشکلاتی از این دست کنار بیاید» (حنیف، ۱۳۸۶: ۴۳).

با پایان جنگ و مظاهر آن در جامعه، معمولاً دلایل معلولیت افراد پنهان می‌شود. معلولیت ناشی از جنگ همواره ارزشمند و قهرمانانه خواهد بود اما معمولاً در برخورد نخست با یک معلول، از علت و چگونگی معلولیت او سؤال نمی‌شود. نخستین چیزی که افراد سالم جامعه با آن روبه‌رو می‌شوند، نقص عضو و ناتوانی فرد معلول است. در نگاه بعد، معلولیت می‌تواند بر اساس نظرات جامعه‌شناس مشهوری به نام اروینگ گافمن، یکی از انواع سه‌گانه داغ ننگ محسوب شود که در شکل‌گیری برخی احساسات آزاردهنده، مانند احساس ناامنی در جامعه تأثیرگذار است. زیرا که؛ معلولیت با تمام بدشکلی‌هایش نمایان می‌شود و دیگر انگیزه‌های قهرمانانه آن، در نگاه نخست، هویدا نیست. «این احساس عدم امنیت از منابع مرموز و تا

## ۶. بحث و بررسی

### ۱. ۶. محمدرضا بایرامی و داستان دود پشت تپه

محمدرضا بایرامی در روستای لاطران، استان اردبیل به دنیا آمد. وی در شش‌هفت‌سالگی، روستایش در استان اردبیل را به قصد تهران تنها می‌گذارد (بایرامی، ۱۳۹۱: ۳۲). این نویسنده معاصر ایرانی با کتاب کوه مرا صدا زد از قصه‌های سبلان توانست جایزه خرس طلایی و جایزه کبرای آبی سوئیس و نیز جایزه کتاب سال سوئیس را از آن خود کند. وی در حال حاضر رئیس خانه داستان ایران است. بایرامی بابت نگارش رمان لم‌بزرع، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را کسب کرد (صفری، ۱۳۷۲: ۲۰۹). بررسی محتوای گفتگوها و توصیف‌ها و نیز شخصیت‌های داستان‌هایش همگی ایجادکننده فضایی مساعد برای جذب طیف سنی خاص هستند. درکل می‌توان گفت: درون‌مایه و دست‌مایه و زبان آثار به‌گونه‌ای انتخاب و پرداخته شده است که به‌خوبی می‌تواند با طیف سنی مخاطبان خود ارتباط برقرار کند. استفاده از زبانی ساده و با واژگانی متناسب مخاطب و همچنین استفاده از روایتی یک دست توانسته جذابیت خاصی در خوانش آثارش ایجاد نماید. ایشان توانسته در آثار خود صمیمیت و اصالت را به خواننده منتقل کند. به‌عبارت‌دیگر استفاده از تجربیات شخصی منبع اصلی کار اوست. آثار او دارای زبان بسیار قوی، محکم، جاف‌ناده و همیشه مفهوم است. آثار او دارای پیام‌های اخلاقی است (سیفی، ۱۳۹۵: ۱۵).

داستان بلند دود پشت تپه اثر احمدرضا بایرامی برای رده سنی نوجوانان، با ۲۲۸ صفحه، در سال ۱۳۷۵ توسط نشر قدیانی منتشر شد. این اثر تا سال ۱۳۹۸ به چاپ هشتم رسید. این کتاب برگزیده اولین جشنواره کتاب سال یادواره شهید حبیب غنی‌پور است.

خلاصه داستان دود پشت تپه به شرح زیر است:

داستان دود پشت تپه روایت آغاز هشت سال جنگ تحمیلی در روستاهای جنوب کشور است. راوی، پسری پانزده‌ساله به نام عزیز است که در دهی به نام تلخ رود زندگی می‌کند. اهالی روستای تلخ رود از توابع سراب هستند. زمان داستان اواخر اسفندماه است که اهالی روستا در تدارک جشن نوروز هستند. عزیز شالی را که مادرش

برای عروسشان، شیرین، عیدی گرفته است برای شال اندازی می‌برد. امتحان‌های بچه‌ها تمام شده و همه خود را برای استقبال از عید نوروز آماده می‌کنند. همه چیز خوب به نظر می‌رسد و زندگی در حال و هوایی روستایی توأم با صفا و صمیمیت در حال جریان است، تا اینکه صدای انفجاری شنیده می‌شود و همه چیز دگرگون می‌شود. ناگهان دشمن با توپ به آن‌ها حمله می‌کند و این حمله باعث جراحت عزیز می‌شود. عزیز در طی بمباران شیمیایی دشمن به روستایشان نابینا می‌شود. در آغاز، نمی‌تواند با این مشکل کنار بیاید، اما وقتی در بیمارستان با فردی که به‌طور مادرزاد نابینا بوده دوست می‌شود کم‌کم می‌تواند با مسئله کنار بیاید.

راوی نوجوان این داستان، پس از نابینا شدن در اثر بمباران شیمیایی روستا، شروع به یادآوری خاطراتش می‌کند و پس از طی دوران نقاهت و گذر از بحران‌های روحی و جسمی با موضوع کنار می‌آید و تصمیم می‌گیرد با استفاده از ماشین تایپ به نوشتن خاطراتش در قالب داستان بپردازد.

### ۲. ۶. بررسی داستان دود پشت تپه از دید داغ

#### ننگ گافمن

#### ۱. ۲. ۶. گذار از دوران بحران روحی

بحران روحی، راوی نوجوان داستان دود پشت تپه را وارد دوران جدیدی می‌شود و او به‌طورکامل ناامید می‌شود. «آگاه شدن از موقعیت پست‌تر، فرد را در حالتی قرار می‌دهد که او دیگر نمی‌تواند در مقابل شکل‌گیری برخی احساسات آزاردهنده مقاومت کند. این احساسات ناشی از بدترین نوع احساس ناامنی است» (گافمن، ۱۳۸۶: ۲۹).

نویسنده با بیان احوال درونی و بحران روحی نوجوان نابینا به نوع معلولیت صرف‌نظر از فلسفه جنگ و چرایی آن می‌پردازد. «ناسازگاری»، «کم‌حرفی» و «بدرفتاری» از علائم آشکار فشارهای روحی اوست. «در دلم می‌خواست بمیرم. وقتی به مرگ فکر می‌کردم آن را سخت و غمناک نمی‌یافتم.... بابا گریه می‌کرد خب بگذار بکند... حالا که فکرش را می‌کنم، به نظرم عجیب می‌رسد که چرا آن حال را پیدا کرده بودم» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

و جماعتی که می‌رفتند و پاهایشان سنگ‌خراش می‌شد و به جایی نمی‌رسیدند و نمی‌دانستند هم که نخواهند رسید» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۷).

قهرمان داستان با امید به بهبودی مرتب از پرستارها می‌پرسد من کی می‌توانم، بینم؟ در واقع یک فرایند طبیعی در روند شکل‌گیری نابینایی؛ حساس شدن چشم نابینا به نور و تشخیص صدای اطراف است که راوی در طول داستان در حال تجربه کردن آن است.

«دلم می‌خواست هرچه زودتر چشم‌هایم خوب بشوند تا ببینم چقدر همان شکلی هستند که به خوابم آمده بودند. آن موقع اصلاً فکر نمی‌کردم که آنها همیشه در ذهن من به همان صورتی باقی خواهند ماند که توی خواب دیده بودمشان» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

امید راوی هنگامی به یأس مبدل می‌شود که زمان نابینایی مطلقش فرامی‌رسد.

«یک روز وقتی بیدار شدم، دیگر حتی آن نور مات را هم ندیدم. جلو چشم‌هایم جز تاریکی چیزی نبود. بی‌اختیار چنان فریادی کشیدم که همه دورم جمع شدند ... به کلی نابینا شده بودم. از شدت ناراحتی از هوش رفتم ... دیگر کسی دلداریم نمی‌داد. کسی نمی‌گفت که خوب خواهی شد. حتماً به این نتیجه رسیده بودند که بگذارند حقیقت را بفهمم و از تلخی آن زارزار گریه کنم.» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

## ۲.۲.۶. هویت اجتماعی

نویسنده با خلق شخصیت قاسم به یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی از دیدگاه گافمن درباره هویت اجتماعی در بحثی تحت عنوان خودی و «آگاهان»<sup>۴</sup> اشاره می‌کند.

«فرد ممکن است در ادامه زندگی به این نتیجه برسد که او ظاهراً تنها انسان مبتلا به این عارضه است و تمام دنیا در مقابلش ایستاده‌اند. اما در بیشتر موارد او در خواهد یافت که «دیگران دلسوزی» هم یافت می‌شوند که حاضرند خود را با شرایط زندگی او تطبیق دهند و احساسی را با او سهیم شوند» (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۷).

قاسم، بیمار مجروحی است که قصد دارد با نصیحت و یادآوری فلسفه اصلی زندگی راوی را به زندگی برگرداند. راوی فکر می‌کند حرف‌های قاسم، کلیشه‌ای و تکراری

از دید گافمن «وقتی کسی در مقابل دیگران حاضر می‌شود، معمولاً دلایل کافی وجود دارد که کنشش را طوری طراحی کند که برداشتی مطابق با منفعت شخصی خویش از خودش به دیگران منتقل کند» (گافمن، ۱۳۹۱: ۱۴). در داستان دود پشت تپه، منفعت عزیز چنین اقتضا می‌کند که با نابینایی خود کنار بیاید. وی در آغاز، نمی‌تواند با این مشکل کنار بیاید، اما وقتی در بیمارستان با فردی که به طور مادرزاد نابینا بوده دوست می‌شود کم‌کم می‌تواند با مسئله کنار بیاید.

درحالی که ذهن راوی، کم‌کم به مسئله چون‌وچرا می‌رسد، پای شخصیت تأثیرگذار و مثبت داستان، یعنی قاسم، هم‌اتاقی‌اش به حیطة ذهن او باز می‌شود. با این تفاوت که او داوطلبانه به جبهه رفته و رزمنده بوده، اما؛ راوی نمی‌داند که چه حادثه‌ای برای او رخ داده است. قاسم در مقابل ابراز نومییدی او می‌گوید: «گفت: نباید این طوری فکر کنی. گفتم چرا؟»

گفت: برای اینکه دیوانه می‌شوی چیزی که باید اتفاق بیفتد، می‌افتد (گافمن، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

بایرامی با تشریح فضای جنگی که در آن نابینایی قهرمان داستان رخ داده و بیان حالات روحی وی و مقاومتش در برابر درمان و ناامیدی از ادامه حیات، به نوعی به آسیب‌شناسی اجتماعی و روانی می‌پردازد. حوادثی که پس از معلولیت شخصیت داستان اتفاق می‌افتد، شامل ناامیدی، گذار از دوران بحران، روی آوردن به معنویت، استعانت از خدا، برقراری ارتباط با افراد همدرد خود و سازگاری با محیط اطراف است. این داستان با یک نتیجه‌گیری پایانی و پس از فروکش کردن بحران‌ها با مرور خاطرات گذشته توسط یک نابینای بستری در بیمارستان، این‌گونه آغاز می‌شود:

«با خودم می‌گفتم گیرم که آینده‌ای نداشته باشم، اما گذشته که داشته‌ام. این را که دیگر نمی‌شود انکار کرد. پس می‌توانم درباره‌اش فکر کنم یا حتی بنویسم. حالا برای کی؟ مهم نیست، برای خودم یا برای قاسم یا حتی برای اینکه دستم روان بشود، با این ماشین ناآشنا و این نقطه‌های برجسته. اما از کجا باید شروع کنم؟ شاید از خواب ننه و آن دشت سوزان بی‌انتها با آن صخره‌های سیاه

است. بنابراین، در برابر حرف‌های او مقاومت می‌کند. تا زمانی که می‌فهمد خود قاسم هم نابینا و از یک پا هم معلول شده است. قاسم در وصف احوال خود به‌طور غیرمستقیم به قهرمان داستان می‌گوید: «رزمنده‌ای را می‌شناسم که وقتی داشت از زیر بمباران شیمیایی فرار می‌کرد، پایش روی مین رفت و قطع شد. شاید اگر پایش روی مین نمی‌رفت، شیمیایی هم نمی‌شد و می‌توانست به بالای تپه‌ها برود ... او هم مثل تو بیشتر وقت‌ها فکر می‌کرد که چقدر راحت می‌توانست پیشگیری کند و نکرده بود. به همان راحتی که می‌شود یک‌قدمی را ده‌سانت کوتاه یا بلند برداشت. اما او پایش را درست آنجا گذاشت. همان جایی که نباید می‌گذاشت» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). از اینجا به بعد صحبت‌های قاسم پیرامون عادی نشان دادن مشکلات زندگی از جمله نابینایی است. این دو شخصیت با بگومگوهای خود کشمکش داستان را خلق می‌کنند.

### ۶. ۲. ۳. اضطراب اجتماعی ناشی از جنگ

جنگ؛ واقعه اجتماعی تلخی است که خواه‌ناخواه بر تمام بخش‌های جامعه تأثیر می‌گذارد؛ همه افراد جامعه را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر ساخته و سبب ایجاد شدیدترین نوع اضطراب و استرس در افراد می‌شود. اختلال اضطراب اجتماعی یک «شرایط ذهنی تکرارشونده است که با ترس یا اجتناب از موقعیت‌هایی مشخص می‌شود که دیگران فرد را ارزیابی یا موشکافی می‌کنند. این اختلال از شایع‌ترین اختلال‌های اضطرابی در جهان است. برخی از ویژگی‌های اضطراب اجتماعی شامل اجتناب به تعویق انداختن امور است» (یاش‌عبدو، کاپارا و ساساگوا، ۲۰۱۶: ۱۰۱). مطالعات نشان داده است که راهبردهای مقابله‌ای به عنوان واسطه بین استرس و بیماری است (هابفول، اسچپوارز و چون، ۱۹۹۸: ۲۰۰). و نقش مهمی در کاهش اضطراب، افسردگی و مشکلات جسمی دارد (بلینگ و موس، ۱۹۸۵: ۵۸). و اتخاذ مهارت‌های مقابله‌ای و شیوه‌های مواجهه مناسب در برابر استرس می‌تواند از تأثیر منفی استرس بر بهداشت روانی فرد بکاهد و به سازگاری هرچه بیشتر فرد منجر شود (فولکمن و مسکووتیز، ۲۰۰۴:

۷۶۰). افرادی که حوادث جنگ را تجربه کرده‌اند ابتدا دچار ترس شده و آنگاه اضطرابی ناشی از وجود منبع خطر در آنها ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی فرد برای رهایی از اضطراب و پیامدهای آن دست به واکنش می‌زند؛ در برخی از افراد ترس به‌صورت مستقیم بیان می‌شود؛ اما در برخی دیگر به روش غیرمستقیم و به شکل فرار از واقعیت در قالب مکانیسم‌های دفاعی بروز می‌کند (شولتز، ۱۳۹۱: ۲۷). در داستان دود پشت تپه، عزیز به دلیل کوری ناشی از جنگ، به صورت مستقیم دچار اضطراب و وحشت می‌شود و برای کاهش تنش‌های روانی از راهبرد مقابله‌ای، سازشی را به عنوان مکانیسم دفاعی برمی‌گزیند. بایرامی در این داستان به آسیب‌شناسی اجتماعی و آسیب‌شناسی روانی توجه داشته است. مطرح کردن فضای جنگ به عنوان زمینه‌ای که در آن نابینایی رخ می‌دهد، از جمله آسیب‌های اجتماعی است و توصیف حالات روحی نوجوان نابینا و مقاومت او در برابر درمان و ناامیدی از ادامه حیات از جمله آسیب‌های روانی است که در دود پشت تپه محور قرار گرفته است. در این داستان نیز مانند داستان‌های دیگری که در حال و هوای جنگ نوشته شده‌اند، حادثه‌ای که پس از معلولیت شخصیت داستان اتفاق می‌افتد، ناامیدی و پس از طی دوران بحران بازگشت او به معنویت و مدد گرفتن از خداوند برای حل مشکلات است.

یکی دیگر از راه‌های برقراری سازگاری با محیط مرتبط شدن با افرادی است که قبلاً این مشکل را تجربه کرده‌اند. در این داستان با این فرایند نیز روبرو هستیم. شخصی که در حادثه آسیب دیده از افرادی که هم‌درد او هستند، بیشتر تأثیر می‌پذیرد تا از افرادی که سالم هستند و او را درک نمی‌کنند. این داستان با یک نتیجه‌گیری پایانی و پس از فروکش شدن بحران‌ها این‌گونه آغاز می‌شود:

«با خودم می‌گفتم: گیرم که آینده‌ای نداشته باشم اما گذشته که داشته‌ام. این را که دیگر نمی‌شود انکار کرد. پس می‌توانم درباره‌اش فکر کنم یا حتی بنویسم. حالا برای کی؟ مهم نیست، برای خودم یا برای قاسم یا حتی برای این که دستم روان بشود، با این ماشین ناآشنا و این نقطه‌های برجسته. اما از کجا باید شروع کنم؟ شاید از خواب ننه و آن دشت سوزان بی‌انتها با آن صخره‌های سیاه و جماعتی

کسی بودم که نه چشم داشت و نه پا. از خودم خجالت می‌کشیدم با خودم می‌گفتم مرا باش که فکر می‌کردم قاسم حرف مفت می‌زنه...» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

راوی وقتی می‌فهمد کسی که قصد امیدوار کردن او به زندگی را دارد، همدرد اوست، مسیر نگاهش عوض می‌شود. یکی از راه‌های درمان روحی افرادی که ناگهانی دچار معلولیت شده‌اند، برقراری تعامل با افرادی است که مشکلاتی مشابه آنها و چه بسا بدتر دارند و این نکته‌ای بوده که از نظر نویسنده دور نمانده است. گذشت زمان، یکی دیگر از فرایندهایی است که انسان را آماده پذیرش شرایط جدید می‌کند. همدرد راوی در شرایطی به خانه برمی‌گردد که تمام اعضای خانواده به جز برادرش به نوعی، معلول شده‌اند. از جمله مادر که نایبنا شده است. قاسم به راوی داستان می‌گوید برای ادامه زندگی‌اش باید برنامه‌ریزی کند و خودش می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد. راوی با تعجب می‌پرسد: با این وضع مگر می‌شود؟ قاسم می‌گوید: «چرا نشه؟ کار نشد نداره...»

گافمن بر این باور است که «فرد داغ‌خورده زمانی که در بین همدردانش است می‌تواند از عیب خود به عنوان یک مبنا برای سروسامان دادن به زندگی‌اش استفاده کند، منتها برای انجام این کار باید خود را به دنیایی ناکامل قانع سازد» (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۸).

در آخر، نگاه واقع‌بینانه راوی نوجوان که واقعیت را پذیرفته؛ می‌تواند به یکی از موضوعات مطرح‌شده توسط گافمن تحت عنوان «درس‌آموزی» اشاره نماید.

«افرادی که در داشتن یک داغ ننگ خاص با هم اشتراک دارند، اغلب تجارب آموزنده مشابهی را با توجه به مشکلات خاصشان از سر می‌گذرانند، و تغییرات مشابهی در تعریفشان از مفهوم «خود» رخ می‌دهد. یک «درس‌آموزی» مشابه که هم علت و هم معلول درگیری در زنجیره مشابهی از سازگاری‌های شخصی است» (گافمن، ۱۳۸۶: ۵۰).

علاوه بر داستان دود پشت تپه، در داستان‌های *انفجار، خانه چوب کبریتی، خاتون چشم‌به‌راه، گل‌های سرخ کاغذی، دو چشم بی‌سو و شب ایوب* نیز نویسندگان به موضوع جانباز و جانبازی و معلولیت در جنگ برای کودک

که می‌رفتند و پاهایشان سنگ خراش می‌شد و به جایی نمی‌رسیدند و نمی‌دانستند هم که نخواهند رسید. یا از آن شال اندازی سال اول جنگ. آن شبی که اولین گلوله توپ به ده خورد یا حتی از آن بوته‌کنی دم عید و آن صبحی که منتظر بودیم باد بخوابد و بتوانیم بیرون برویم اما باد انگار نمی‌خواست دست از سرمان بردارد. سه روز بود که شروع شده بود. از طرف مرز می‌آمد، کوه یاقوت را دور می‌زد و می‌پیچید تو کوچه‌های ده...» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۷).

#### ۶.۲.۴. خودی و آگاهان

در کتاب *داغ ننگ در مبحثی تحت عنوان «خودی و آگاهان»* گافمن از دسته‌ای از افراد به نام «دیگران دلسوز» سخن می‌گوید. وی آنها را به دو دسته تقسیم می‌کند: «اولین دسته افرادی هستند که داغ ننگی مشابه او دارند. برخی از این افراد، با توجه به تجارب شخصی خودشان، معنای داشتن این داغ ننگ خاص را درک می‌کنند و بنابراین، می‌توانند برای فرد، تعالیمی در خصوص شیوه‌های برخورد در موقعیت اجتماعی و همچنین حلقه‌ای برای ابراز همدردی فراهم کنند، به طوری که او بتواند برای جلب حمایت اخلاقی به آنها پناه آورده و احساس کند وقتی در میان آنها است، در یک محل امن، در کمال آرامش قرار دارد و مثل هر انسان عادی دیگر در جامعه مورد پذیرش قرار گرفته است» (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۷).

«دسته دوم آگاهان نام دارند، یعنی، افرادی که خودشان آدم‌های عادی هستند اما موقعیت خاصشان باعث شده است که از راز زندگی فرد داغ‌خورده بدون واسطه مطلع شوند و با او اظهار همدلی کنند و توانسته‌اند خود را با معیار پذیرش و در نتیجه؛ عضویت افتخاری در یک جمع داغ‌خورده، منطبق سازند» (گافمن، ۱۳۸۶: ۴۶).

قاسم به دسته اول تعلق دارد و سعی دارد با بیان داستان غم‌انگیز خود با راوی احساس همدردی کند. هرچند که راوی حرف‌های قاسم را نمی‌پذیرد و مقاومت می‌کند.

«اما سرانجام به زحمت می‌توانستم جلوی خودم را بگیرم. بغض کرده بودم و بدتر از آن این بود که احساس می‌کردم دارم خرد می‌شوم. تا آن لحظه فکر نمی‌کردم، دردی بالاتر از درد من وجود داشته باشد. و حالا روبروی

## ۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، داستان کودک و نوجوان دود پشت تپه با برامی با موضوع معلولیت جنگ از دید گافمن بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان معلولیت‌ها، پرداختن به نقص نایبایی، بیش‌ترین تعداد آثار را در برداشته است و معلولیت‌های شایعی مانند معلولیت‌های حرکتی، شنوایی، کم‌بینایی و... در درجه دوم توجه قرار گرفته‌اند. اگرچه در آثار بررسی‌شده به وجود توانایی‌های بسط‌یافته در سایر حواس معلولان اشاره شده است. لیکن؛ این امر نمی‌تواند دلیلی بر بی‌توجهی متولیان جامعه در فراهم نمودن امکانات و شرایط مناسب برای معلولین جنگی باشد که از نوع خاصی از معلولیت رنج می‌برند. در داستان‌های واقع‌گرا، کمتر به مشکلات اصلی و ملموس معلولان و قربانیان جنگی و برخوردهای نادرست اجتماع با آنان پرداخته شده است. با این حال نویسندگان آثار دفاع مقدس، به‌نوعی به کم‌رنگ بودن نقش مسئولین جامعه در این خصوص اشاره نموده‌اند. اگرچه مهم‌ترین ابزار معرفی‌شده در داستان‌های مورد بحث توسل به هنر و ادبیات بوده است، اما این امر به معنای انحصاری بودن آنها نیست. در این آثار به انواع روش‌های دیگر مانند بحث گروهی، درمان جمعی و یا تبادل اطلاعات پرداخته نشده است و اساساً هیچ اطلاعات و دانشی به افرادی که با معلولان سروکار دارند، داده نمی‌شود. در مجموع، داستان‌ها بیش‌تر نگاه و رویکردی احساسی و شاعرانه و دور از واقعیت به پدیده معلولیت و جانبازی داشته‌اند. در آثار منتخب، علی‌رغم شخصیت مطلوب و ارزشمند قهرمانان، با درون‌مایه‌هایی روبه‌رو هستیم که از مشکلات و رنج‌های ناشی از فقدان روابط نزدیک کودکان و نوجوانان با والدینشان پرده برمی‌دارد. در این میان آنچه حائز اهمیت خواهد بود نقش و تأثیر مستقیم رفتار درست و اصولی توأم با عشق و علاقه اطرافیان فهمیم بر رشد شخصیت معلولان است. بی‌شک نیاز به برقراری ارتباط از طریق تماس‌های طولانی و یا حتی زودگذر صرف‌نظر از نوع و علت معلولیت و حضور هم‌زمان آنها در عرصه‌های بین‌المللی مانند مسابقات پارالمپیک، دال بر وجود انسان‌هایی است که گرچه به دلیل معلولیت از هویت مادرزادی و یا اکتسابی‌شان رنج می‌برند؛ اما؛ سعی

و نوجوان پرداخته‌اند. آثاری مانند «مچ» یا «جای خالی ماه» نیز به طرح بعضی نمونه‌های کمیاب از مشکلات جانبازان در ارتباط با فرزند کودک یا نوجوان آنها می‌پردازد. همچنین در داستان کودکان و نمادین «کلاغ آبی» نیز نویسنده با چیره‌دستی احساس یک کودک را از حادثه جانبازی پدرش به تصویر می‌کشد.

اشاره به معلولیت پدران در داستان‌های جنگی را می‌توان از منظر جامعه‌شناختی مورد توجه قرار داد. زیرا؛ بر اساس یکی از انواع داغ ننگ‌های گافمن که همان نواقص و بدشکلی‌های جسمانی است، معلولیت پدران مجروح موجب می‌شود تا نزدیکان این افراد در ارتباط مستقیم با آنها قرار گیرند. همان افرادی که گافمن آنها را تحت عنوان آگاهان به عنوان دسته دومی از «دیگران دلسوز» معرفی می‌کند. نوع دوم از اشخاص آگاه کسانی هستند که از طریق ساختار اجتماعی با یک فرد داغ‌خورده در ارتباط قرار می‌گیرند. ارتباطی که گاهی اوقات منجر می‌شود جامعه وسیع‌تر در بعضی زمینه‌ها با هر دوی آنها برخوردی یکسان داشته باشد. بنابراین، همسر وفادار یک بیمار روانی، دختر یک مجرم سابقه‌دار، والدین یک فلج، دوست یک نابینا و خانواده یک مأمور اعدام، همگی مجبورند در برخی از بدنامی‌های فرد داغ‌خورده‌ای که با او ارتباط دارند شریک شوند» (اتول، ۱۹۵۶: ۴۸).

گافمن بر این باور است که «وقتی از موقعیت افراد بدنام‌شده به سوی موقعیت کسانی حرکت کنیم که با احتمال بدنام‌شدن مواجه‌اند، به شواهد بیشتری بخواهیم خورد که نشان می‌دهند نزدیکان صمیمی فرد نیز می‌توانند پایه‌پای افراد غریبه از وجود داغ ننگ منجر شوند» (گافمن، ۱۳۸۶: ۸۰).

این‌گونه آثار جایگاه ویژه‌ای در تربیت نسل جوان به خصوص معلولان، خواهد داشت. چه بسیار کودکان و نوجوانانی نیز هستند که معلولیت آنها در اثر جنگ نیست و با یک معلولیت مادرزادی متولد می‌شوند. اما خواندن این کتاب‌ها و شنیدن شرح حال امثال خود و شیوه کنار آمدن آنها با موضوع معلولیت می‌تواند در زندگی آنها نیز اثرگذار باشد.

پشت تپه روایتی تلخ از تداوم آسیب‌های روانی جنگ است که با گذشت زمان نه تنها آسیب‌هایش بهبود نمی‌یابد بلکه زخم‌های عمیق‌تری نیز بر پیکر رنجور نوجوان داستان وارد می‌سازد. از این‌رو؛ باید در بستر ادبیات داستانی و بر اساس دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناختی با شیوه‌های جدید به طرح و ارائه راهکارهای مناسب برای حل مشکل معلولیت، صرف‌نظر از دلایل آن مبادرت ورزید.

در تغییر ماهیت اجتماعی خود دارند. در آخر باید اذعان داشت که در جهان پر آشوب کنونی، معلولیت دیگر تنها عیبی مادرزادی نیست و همه انسان‌ها به‌طور جدی در معرض خطرات معلولیت‌های جسمی و روحی ناشی از جنگ و تجاوز کشورهای متجاوز قرار دارند. این تحلیل در واقع تفسیر و تبیینی روان‌شناختی از روزهای تلخ معلول نوجوان جنگ‌زده است؛ داستان دود

### پی‌نوشت‌ها

1. stigma theory

2. Irving Goffman

3. self-disgrace

4. the wise

### فهرست منابع

- اتول، جی (۱۹۵۶)، *جلاد بی میل*، لندن: نشر جان لانگ.
- بایرامی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *دودپشت تپه*، تهران: نشر قدیانی.
- بایرامی، محمدرضا (۱۳۹۱)، *گفت‌وگو با محمدرضا بایرامی*، ماهنامه *ادبیات و داستان*، ش ۴، ص ۳۲
- پاینده، حسین (۱۳۹۸)، *گشودن رمان: رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی*، چاپ چهارم، تهران: نشر مروارید.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶)، *پرسش و پاسخ پیرامون ادبیات دفاع مقدس*، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- روزن، ماروین (۱۳۷۰)، *آموزش و درمان معلولین*، ترجمه اکبر میرحسینی، تهران: نشر رشد.
- رهگذر، رضا (۱۳۶۵)، *گاهنامه داستان*، تهران: نشر حوزه هنری.
- سارازین، کاترین (۱۳۸۴)، *سیمای کودک معلول در ادبیات کودک*، ترجمه بهاره بهداد، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، شماره ۹۳، تیرماه، صص ۱۱۱-۱۱۶.
- سرشار، محمد رضا (۱۳۸۷)، *نگاهی به ادبیات انقلاب اسلامی*، تهران: سوره مهر.
- سیفی، زینب (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی محتوای آثار کامل کیلانی و محمدرضا بایرامی*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه محقق اردبیلی.
- شافعی‌زاده، جبار (۱۳۸۳)، *دیوار*، تهران: نشر یونیسف (صندوق کودکان ملل متحد).
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۱)، *روان‌شناسی کودکان استثنایی*، تهران: نشر روان‌سنجی.
- شولتز، دوان، شولتز آلن سیدنی (۱۳۹۱)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه سیدمحمدی، یحیی، تهران: ویرایش.
- شیخ‌رضایی، حسین (۱۳۹۱)، *تفاوت، دیگری و اقلیت در ادبیات داستانی کودک و نوجوان*، تهران: *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ش ۱۸۰، مهرماه، صص ۷۱-۸۱.
- صفری، بابا (۱۳۷۲)، *اردبیل در گذرگاه تاریخ*، چاپ دوم، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد-واحد اردبیل.
- صنعت، محمد حسین (۱۳۸۹)، *آشنایی با ادبیات دفاع مقدس*، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- عبادی، شیرین (۱۳۷۱)، *حقوق کودک*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- گافمن، اروینگ (۱۳۸۶)، *داغ‌ننگ*، *چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.
- (۱۳۹۱)، *نمود خود در زندگی روزمره*، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.
- مک کی، رابرت (۱۳۸۵)، *داستان (ساختار، سبک و اصول فیلم‌نامه‌نویسی)*، ترجمه محمد گذرآبادی، چاپ دوم، تهران: هرمس.
- Ayyash-Abdo. A., Tayara. R., & Sasagawa. S. (2016). *Social anxiety symptoms: A cross-cultural study between Lebanon and the UK. Personality and Individual Differences*. 96(1): 100-105.
- Billings A, Moos R, (1985). *Life stressors and social resources affect posttreatment outcomes among de-*

- pressed patients*, J Abnorm Psychol; 94: 140–53
- Folkman, S., & Moskowitz, J. T. (2004). *Coping: Pitfalls and promise*. Annual Review of Psychology, 55, 745-768.
- Hobfoll SE, Schwarzer R, Chon KK (1998). *Disentangling the stress labyrinth interpreting the meaning of the term stress and it is studied in health context*, Anx, Stress.Cop; 11 (3): 181-212.